

## دولت «امام زمان»

توسل به سوژه امام زمان توسط سردمداران و مسئولان حکومتی همچنان ادامه یافت.

در نخستین ماه‌های بعد از انقلاب بهمن، که صدها کارخانه و موسسه دولتی و خصوصی دچار اختلال و تعطیلی شده و کارگران و کارمندان آنها، بدون دریافت دستمزد و حقوق، به حال خود رها شده بودند، یکی از مراکز مورد مراجعه انبوه بیکارشدگان هم «سازمان برنامه و بودجه» بود که ریاست آن، در آن هنگام، در دست علی اکبر معین‌فر بود. روزی که صدها کارگر یک شرکت ساختمانی و پیمانکاری برای رسیدگی به شکایت و تعیین تکلیف خود به سازمان برنامه آمده و در سرسرای ورودی آن نشسته بودند، معین‌فر در جمع شاکیان حاضر شده و به ایراد سخنرانی پر حرارتی پرداخت که مضمون اصلی و چکیده حرفهای او این بود: این دولت مثل دولتهای سابق نیست و شما هم نباید در مقابل آن بایستید و تحسن کنید. این دولتی است که در رأس آن نایب امام زمان، امام خمینی است. این دولت امام زمان است و من هم وزیر امام زمان هستم. شما بایستی صبر و تحمل داشته باشید تا به مشکلاتتان رسیدگی شود! بعد از این سخنرانی، رئیس سازمان برنامه، بدون آن که منتظر پاسخ یا اظهار نظر معترضان باشد، آن جمع حیرت‌زده را بر جای نهاد و آنجا را ترک کرد. اجتماع آن روز کارگران بدین ترتیب پایان یافت و مشکلات آنها نیز هیچ وقت حل نشد، اما استفاده از این گونه شگردها برای ارباب و خاموش کردن صدای اعتراضات و حق‌طلبی‌ها، بارها و بارها، به وسیله مسئولان دولتی تکرار گردید.

با شروع و تداوم جنگ ویرانگر هشت ساله، حضور و «ظهور» امام زمان به اشکال گوناگون هم حدیثی متواتر گشت. نه تنها «امدادهای غیبی» امام زمان و دیگر ائمه و اولیا در جریان «دفاع مقدس»، بلکه حضور خود امام زمان در جبهه‌ها به روایت‌های مختلف نقل گردیده و یا در مطبوعات درج شد. از جمله، آیت‌الله خزعلی، که در آن زمان عضو فقهای شورای نگهبان بود، گواهی داد که شخص امام زمان، سوار بر اسبی سفید، در جبهه‌ها ظاهر شده است. رواج گسترده این

سوژه‌های شاخص و همیشه حاضر آن بوده است.

از همان ابتدا، هنگامی که شعار «خدایا، خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار!» را ساخته و مرتباً در مساجد، نمازهای جمعه و جماعت، رادیو و تلویزیون، مجامع دولتی، راهپیمایی‌های حکومتی و... فریاد زدند، می‌خواستند چنین وانمود کنند که نه فقط خمینی، به عنوان مرجع تقلید و بنا به اعتقاد شیعیان، «نماینده امام زمان» است بلکه دولتی هم که او تشکیل داده، دولت «امام زمان» است، و نه تنها این دولت زمینه ظهور او (یعنی انقلاب مهدی) را که آرزوی شیعیان است فراهم می‌آورد بلکه خود نیز تا آن زمان استمرار یافته و به آن اتصال می‌یابد!

در آن زمان که تب «انقلاب اسلامی» و رهبری «امام» خمینی بسیار واگیر و فراگیر شده بود، بودند مؤمنانی که اگر نه در حضور دیگران، در خلوت خویش این «امام» را که تازه ظاهر شده بود با آن امام که در انتظار ظهورش بودند، اشتباه می‌گرفتند. فخرالدین حجازی، یکی از معرکه‌گیران سابق و سرشناس رژیم بود که این را آشکارا بر زبان آورد: هنگامی که نمایندگان مجلس اول رژیم در حسینیه جماران به حضور خمینی رسیدند، وی به نمایندگی از طرف همقطاران خود، پس از شرحی مبسوط در مدح و ثنای «بت شکن» زمان، از «امام» درخواست کرد که «حجاب» را کنار زده و هویت خود را بر همگان بنمایاند (امام بگو که (امام زمان) خودتی!). اما خمینی که مسند «نیابت» امام زمان را نقدتر و مناسب‌تر بر حال خود می‌دید و فراست سیاسی‌اش هم بیش از آن بود که چنین خطائی را مرتکب بشود، بر او تشر زد که این حرفها را دیگر تکرار نکند! با اینهمه، چنان که بعدها دیدیم، خود خمینی هم در این باره دچار برخی خلعانهای ذهنی گردید و به نقد عملکرد «ابن‌یاء و اوصیاء» و مقایسه «موفقیت‌های» جمهوری اسلامی با ناکامی‌های آنها پرداخت و سرانجام هم، «حکم حکومتی» ولایت فقیه و «مصلحت» حفظ نظام را برتر از اجرای خود احکام اسلام به حساب آورد. در هر صورت، خود خمینی هم بالاخره «صحنه» را خالی کرد و «انقلاب مهدی» هم به وقوع نپیوست، ولی

در ماه‌ها و هفته‌های اخیر، همراه با برگزاری «انتخابات» نهمین دوره ریاست جمهوری و تشکیل دولت جدید، بحث و طرح «امام زمان» در محافل مذهبی و حکومتی، باری دیگر، بالا گرفته است. خصوصاً با نزدیک شدن سالروز ولادت امام دوازدهم شیعیان، ۱۵ شعبان (۲۹ شهریور گذشته) این گونه تبلیغات و القانات، در مجامع و منابر مذهبی - سیاسی رژیم، اوج تازه‌ای یافته بود. این قبیل حرفها و حدیثها، که بعضاً در «سایت»های داخلی و مطبوعات حکومتی هم بازتاب می‌یابد، مضامین مختلفی را در بر می‌گیرد. از جمله موعد «ظهور» امام زمان و «علائم ظهور» وی، که از بس متنوع و متناقض و مورد اختلاف راویان و پیروان است که هر دسته و گروهی چیزهای مورد نظر و دلخواه خویش را به عنوان علائم «واقعی» ظهور، طرح و تبلیغ می‌کند. چنان که مثلاً، دارودسته‌ای حکومتی، از حوزه و سپاه، که از سال گذشته مبادرت به ثبت نام «داوطلبان» عملیات انتحاری کرده‌اند، تشکیل این، «لشکرهای استشهدادی» را هم جزو علائم و عوامل ظهور امام زمان قلمداد می‌کنند!

اما سوژه‌ای که بیش از همه در این ایام در محافل و منابر وابسته به جناح «برنده‌ی» انتخابات کذائی مطرح شده و می‌شود، رابطه دولت احمدی‌نژاد با امام زمان است. طبق این ترفند تبلیغاتی، موعود ظهور امام دوازدهم، که همواره مورد انتظار شیعیان بوده، بسیار نزدیک است و، بنابراین، پیروان راستین او هم باید زمینه‌ها و عوامل ظهورش را فراهم کنند و تشکیل دولت احمدی‌نژاد هم زمینه‌سازی و تدارکی برای حضور آن امام است و، از این رو، این دولت، دولت «امام زمان» است و هر کس با آن مخالفت کند به مخالفت با خود امام زمان برخاسته است!

توسل به باورها و پندارهای مذهبی، برای پیشبرد مقاصد سیاسی، در جمهوری اسلامی که دین را با دولت در همه ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن آمیخته و ادغام کرده است، البته، هیچ تازگی ندارد. در واقع، این قبیل القانات، استفاده ابزاری از تعلقات و تعصبات دینی و عوامفریبی از شیوه‌های رایج گردانندگان حکومت اسلامی از آغاز استقرار آن، و «امام غایب» هم یکی از

گردیده و همچنین ماجراجویی‌های آنها در مورد پرونده اتمی، انزوای شدیدتر آنها و احتمال رویارویی با بخش بزرگی از جامعه جهانی را به دنبال آورده است.

## فراخوان سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه



سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، با انتشار فراخوانی از رانندگان اتوبوس های شرکت واحد تهران و حومه خواسته است، از روز دوشنبه از گرفتن بلیط از مسافران خودداری کنند. این فراخوان در ادامه ی اقدامات اعتراضی سندیکا برای تحقق خواسته های کارگران شرکت واحد، که مورد پشتیبانی گسترده رانندگان شرکت واحد قرار گرفته است، صورت می گیرد. در حرکت اعتراضی قبلی این سندیکا که شهریور ماه گذشته صورت گرفت، بنا به گفته ی مسئولین سندیکا، بیش از هشتاد درصد رانندگان شرکت واحد مشارکت کردند.

در فراخوان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به این منظور آمده است: ضمن ارج نهادن به حرکت پرشکوه، اتحاد، همبستگی و دادخواهی شما در تاریخ ۸۴/۶/۱۶، احتراماً به آگاهی می رساند پیرو اطلاعیه قبلی که تا تاریخ ۸۴/۶/۳۱ به مسئولین مربوطه جهت رسیدگی به خواسته های صنفی فرصت داده شده بود، متأسفانه عملاً هیچ کدام از خواسته های کارگران شرکت واحد تأمین نگردیده و حتی قول مساعدی هم داده نشده است. لذا سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن درخواست رعایت کامل حقوق شهروندان و مسافران گرامی با رعایت کامل نظم سندیکایی از شما رانندگان گرامی و زحمتکش شرکت واحد درخواست می نماید طبق ماده ۶، ۴۸ و ۱۷۲ قانون کار جمهوری اسلامی ایران و مقررات آئین نامه راهنمایی و رانندگی و رعایت اصول بهداشت و ایمنی کار، از تاریخ ۸۴/۷/۲۵ از دریافت بلیط مطلقاً خودداری فرمائید.

عاشورایی‌ها و خانواده‌های شهدا و ایثارگران! روزی که امام زمان (عج) در مکه ظهور می‌کنند و از مکه به طرف مدینه به راه می‌افتند، در بین راه توسط قوای عربستان محاصره می‌شوند، کار بسیار سخت می‌شود. امام زمان کسی که می‌خواهد حکومت جهانی اسلام را تشکیل بدهد، در محاصره قرار می‌گیرد. امام زمان به بعضی از اصحابش می‌فرماید بروید و به جوانان ایرانی بگویید، بیایند. به مجرد این که این خبر به ایران می‌رسد این جوانانی که رفتند عملیات طریق القدس و... را کردند، راه می‌افتند به طرف عربستان و می‌روند که امام زمان را از محاصره خارج کنند. آماده باشید برای تشکیل حکومت جهانی.»!

آماده باش برای «حکومت جهانی» که علی محمد بشارتی «بشارت» آن را داده بود، به جایی نرسید و با روی کار آمدن دولت خاتمی، بشارتی و دارودسته‌اش هم کنار رفتند و دور تازه‌ای از کشمکش در میان دستجات حکومتی آغاز گردید. اینان و خصوصاً باندهایی که دور «رهبر» رژیم گردآمده بودند، برای کنار زدن رقیبان خود نیز دست به دامان امام دوازدهم شدند. آخرین نمونه این گونه تشبثات هم اظهارات آیت‌الله مشکینی، رئیس مجلس خبرگان، در جریان انتخابات مجلس هفتم رژیم در سال ۱۳۸۲ بود. وی مدعی گردید که فهرست اسامی نمایندگان منتخب این مجلس به امام زمان عرضه شده و ایشان همه این نمایندگان را، یک به یک، تأیید کرده است! طرفه این که، طبق گفته خود مشکینی این فهرست زمانی به امام زمان ارائه شده که اصلاً لیست نامزدهای انتخاباتی هم قطعی و نهائی نشده بود!

حکومت‌های استبدادی برای ادامه حاکمیت خود غالباً به بهره برداری از احساسات و اعتقادات مذهبی و سنتی اقشاری از مردم روی می‌آورند و رژیم جمهوری اسلامی نیز که با بهره‌گیری از دین، و باورها و آیین‌های مذهبی مانند امام غایب، عاشورا، شهادت و... نیز استبداد مضاعفی را بر جامعه ما تحمیل کرده است، چنین شگردهایی را همواره به کار گرفته است. اما تلاشها و تقلاهای اخیر گردانندگان حکومتی برای طرح و تبلیغ «ظهور» امام زمان و دولت «امام زمان» و نظایر اینها، بیش از هر چیزی حاکی از درماندگی آنهاست که در جریان انتخابات قلبی اخیر فقدان مشروعیت و بی‌ابرویی آنها هر چه بیشتر آشکار و عیان

قبیل روایتها، سرانجام بخشی از مردم را به این باور رساند که «سوارکار اسب سفید» در واقع نمایشی است که به کارگردانی «ستاد تبلیغات جنگ» یا سپاه پاسداران، شبها در این یا آن منطقه جنگی به صحنه آورده می‌شود. والله اعلم!

در همین حال، همراه با تشدید سرکوب و خفقان در جامعه، از جانب گردانندگان جمهوری اسلامی نقش تازه‌ای به «سربازان» امام دوازدهم محول گردید. نخستین بار خود خمینی بود که مأموران اطلاعاتی، امنیتی و جاسوسی رژیم را «سربازان گمنام امام زمان» نامید، و بعد از او هم، همین عنوان به وسیله دیگر سران حکومتی و یا در اعلامیه‌های وزارت اطلاعات رژیم مرتباً تکرار شده است. در پی قضیه قتل‌های زنجیره‌ای، و افشاگریهای جسورانه تنی چند از روزنامه‌نگاران و زندانیان سیاسی، تعدادی از این «سربازان گمنام» هم بالاخره نام پیدا کردند و بر همگان آشکار شد که آنهایی که «سربازان گمنام امام زمان» نامیده می‌شوند، در واقع، بازجویان، شکنجه‌گران، جلادان و آدمکشان در خدمت رژیم حاکم هستند. تعدادی از همین عناصر هم، چنان که می‌دانیم، اکنون در دولت احمدی‌نژاد در مسند وزارت و ریاست جای گرفته‌اند.

بعد از پایان جنگ، توسل به نقش و حضور مستقیم امام غایب در امور سیاسی و تبلیغاتی جمهوری اسلامی، نسبت به دوره قبل، تا اندازه‌ای کاهش یافته و یا کمتر در رسانه‌های همگانی بازتاب می‌یابد. لکن این بدان معنی نبود که این سوژه به فراموشی سپرده شده است. همانطور که سخنرانی وزیر اسبق کشور (که از نوار پیاده شده و در یکی از روزنامه‌های حکومتی درج گردیده است) به عنوان نمونه نشان می‌دهد، گردانندگان این رژیم، به هیچ وجه، حاضر به رها کردن گریبان امام زمان نیستند!

علی محمد بشارتی، وزیر کشور دولت رفسنجانی، در سفری که در مهرماه ۱۳۷۵ به تبریز کرده بود، در یک سخنرانی در جمع مسئولان این شهر، ضمن شرح «گفتگوی خود با خداوند»، «تقدیم کارنامه هفده سال انقلاب اسلامی به خداوند»، مقایسه حکومت جمهوری اسلامی با «حکومت امیرالمومنین»، «کارت قرمزی که امیرالمومنین توی نهج‌البلاغه به استاندارش داده» و ده‌ها بافته دیگر از آسمان و ریسمان، چنین گفت: «بسیجی‌ها،